

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

عیوب موجب فسخ عقد نکاح

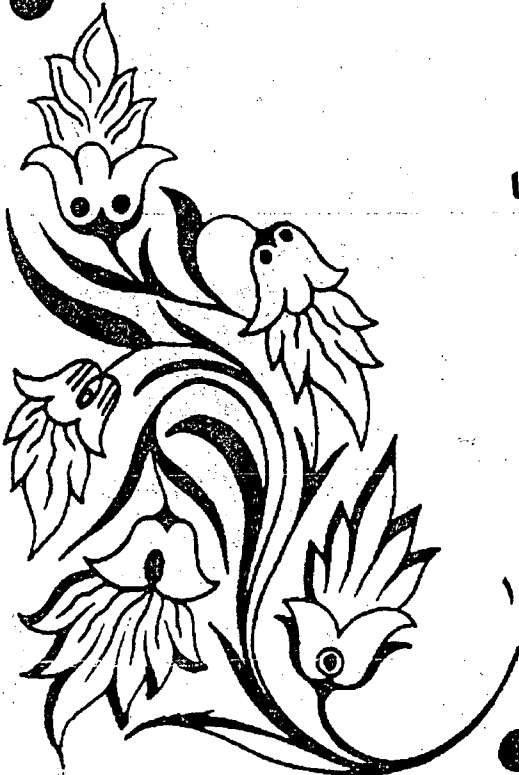
استاد راهنما:

محمد مهدی کریمی نیا

نگارنده:

محمد علی فیاضی

نیمسال اول: ۸۳-۱۳۸۲



کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

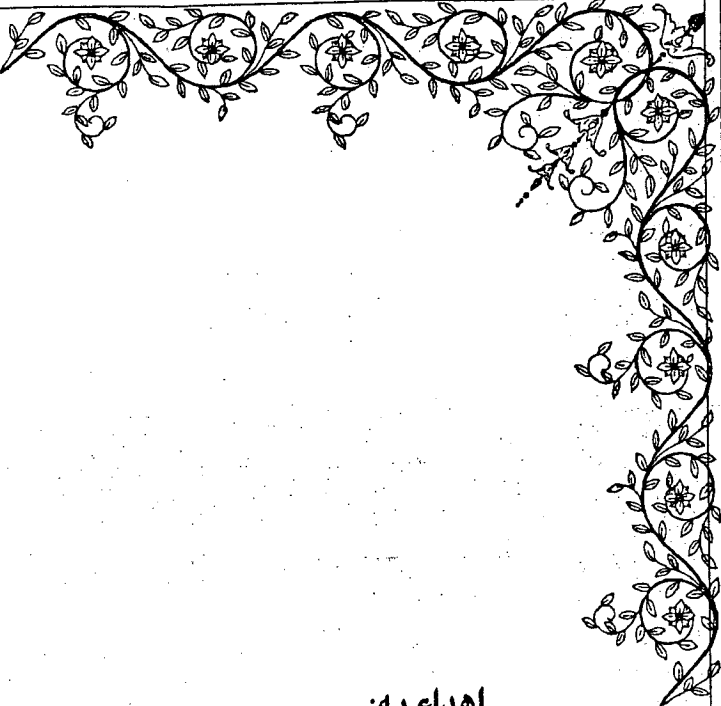
شماره ثبت: ۵۴۳

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

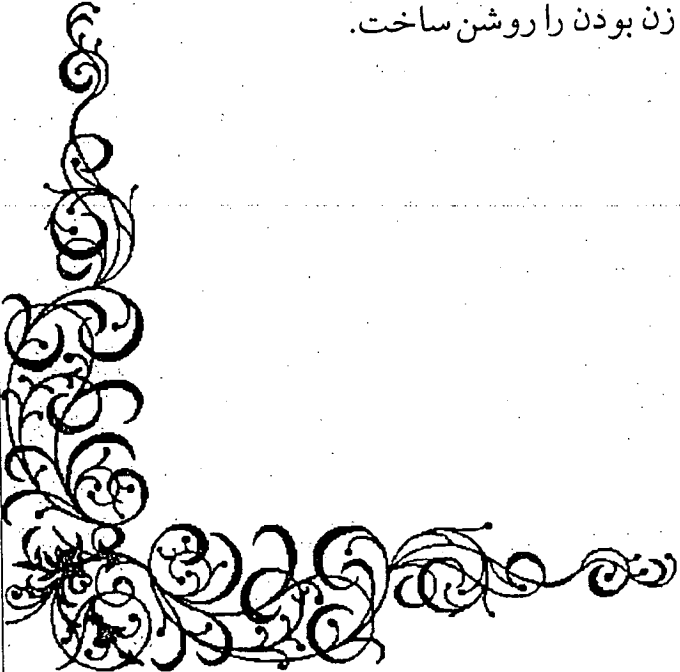
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق این اثر، اعم از چاپ، تکثیر،...
محفوظ و متعلق به مرکز جهانی علوم اسلامی است.



اهداء به:

امیرالمومنین (ع) اسوه مردان و پرهیزکاران، علی که
از هر جهت انسان کامل بود.
و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اسوه بانوان که اسلام و قرآن
با پرورش و تربیت زنی همچون فاطمه علیها السلام ارزش زن را
نشان داد و مفهوم زن بودن را روشن ساخت.



تقدیر:

با تقدیر و تشکر از مرکز علوم جهانی، و اساتید
محترم، بالأخص حضرت حجّة الاسلام و المسلمین
جناب آقای کریمی نیا به عنوان استاد راهنما، که در
تدوین این پایان نامه، نقش شایانی را داشته و بنده را
یاری رسانده‌اند. ایشان وقت گران بهای خویش را در
اختیار بنده گذاشته و زحمات زیادی را متقبّل شده‌اند.

چکیده مباحث:

این نوشته نخست جزوه مختصری است که به عنوان پایان نامه نوشته شده است، و از طرفی برای احتراز از اطاله کلام، از ورود به ارای مذاهب مختلف خودداری کرده و به مذهب اهل بیت علیهم السلام، تمسک جسته‌ام.

این نوشتار بحثی است در ارتباط با موجبات فسخ نکاح. بنابراین مباحث این پایان نامه در یک مقدمه و دو بخش مطرح و بررسی گردیده است.

اما مقدمه:

در اینجا شش مطلب مطرح گردیده است که عبارتند از:

- ۱ - تبیین موضوع تحقیق.
- ۲ - هدف تحقیق.
- ۳ - تاریخچه تحقیق.
- ۴ - ضرورت تحقیق.
- ۵ - روش تحقیق.
- ۶ - سازمان دهی تحقیق.

اما بخش اول در بیان عیوب است:

در اینجا سه فصل مطرح گردیده است که در فصل اول: کلیات عیب از قبیل خیار فسخ و فرق فسخ باطلاق بررسی گردیده است. در فصل دوم: انواع عیوب از قبیل عیب مشترک زن و مرد و عیب مختص هر کدام از زن و مرد، و این که عیب مشترک چند تا

است و عیب مختص هر کدام چند تا است، و هم چنین عیوب مورد اختلاف از قبیل زنا و خنثی و زن حد خورده شده به واسطه زنا، و عقیم بودن مرد مطرح گردیده و این که آن عیوب موجب فسخ می شود یا نه؟ در فصل سوم: احکام عیوب از قبیل فوریت فسخ، و صور مختلف عیوب که بعد از عقد حادث گردیده و حکم آنان، و مهریه و عده فسخ، و حکم عیب جلی و خفی، بررسی گردیده است.

اما بخش دوم در بیان تدلیس است:

در اینجا شش فصل از قبیل کافر در آمدن زوجین، و ثیب در آمدن زن، و طی به شبهه، نسبت زن به قبیله خاصی که خلاف ظاهر گردد و عقیم در آمدن زن، که آنها از مصادق مهم تدلیس است، و هم چنین نظر قانون مدنی ایران در مورد موجبات فسخ، مطرح و بررسی گردیده است.

فهرست مطالب

۴	اهداء به:
۵	تقدیر:
۶	چکیده مباحث:
۶	اما مقدمه:
۹	۱- تبیین موضوع تحقیق:
۹	تعریف لغوی:
۹	تعریف اصطلاحی:
۱۰	اهداف ازدواج:
۱۲	۲- هدف تحقیق:
۱۲	۳- سابقه تحقیق:
۱۷	۴- ضرورت تحقیق:
۱۷	۵- روش تحقیق:
۱۸	۶- سازمان دهی تحقیق:

بخش اول: عیوب موجب فسخ نکاح

۲۱	شرایط عیب:
۲۱	معنی فسخ:
۲۲	فصل اول: کلیات
۲۳	خيار فسخ نکاح:
۲۴	فرق فسخ نکاح با طلاق:
۲۸	فصل دوم: انواع عیوب
۲۹	مبحث اول: عیب مشترک
۲۹	تعریف عیب مشترک

۲۹	گفتار اوّل: اقوال در عیب مشترک
۳۴	اول: جنون
۳۴	تعریف لغوی:
۳۵	تعریف اصطلاحی جنون:
۳۶	گفتار دوم: صور مختلف جنون:
۳۷	جنون موجود قبل از عقد:
۳۸	جنون حادث بعد از عقد:
۴۶	دوم: جذام
۴۶	تعریف لغوی:
۴۶	تعریف اصطلاحی:
۴۶	حکم جذام (خوره):
۴۷	راه‌های اثبات جذام:
۴۸	سوم: برص
۴۸	تعریف لغوی:
۴۸	تعریف اصطلاحی:
۴۹	حکم برص:
۵۰	طریق اثبات برص:
۵۱	چهارم: کوری از دو چشم
۵۱	تعریف لغوی:
۵۱	تعریف اصطلاحی:
۵۲	حکم عمی:
۵۸	مبحث دوم: عیوب مختص:
۵۸	گفتار اوّل: جب
۵۸	تعریف لغوی:
۵۹	تعریف اصطلاحی:
۵۹	حکم جب:
۵۹	صور مختلف جب:

۶۷	گفتار دوم: خصا.....
۶۷	تعریف لغوی:.....
۶۷	تعریف اصطلاحی:.....
۶۷	اقوال در خصا.....
۷۳	گفتار سوم: عنن.....
۷۳	تعریف لغوی:.....
۷۳	تعریف اصطلاحی:.....
۷۴	حکم و صور مختلف عنن:.....
۸۰	مرافعه نزد حاکم شرع:.....
۸۳	اثبات عنن:.....
۸۶	گفتار چهارم: خنثا.....
۸۶	خنثای مشکل:.....
۸۷	تفاوت بطلان نکاح و فسخ:.....
۸۷	خنثای غیر مشکل:.....
۹۰	عنوان دوم: عیوب مختص زن:.....
۹۱	گفتار اول: قرن:.....
۹۱	تعریف لغوی:.....
۹۱	تعریف اصطلاحی:.....
۹۳	حکم قرن:.....
۹۸	گفتار دوم: افضا.....
۹۸	تعریف لغوی:.....
۹۸	تعریف اصطلاحی:.....
۹۹	حکم افضا:.....
۱۰۱	گفتار سوم: عرج.....
۱۰۱	تعریف لغوی.....
۱۰۱	تعریف اصطلاحی:.....
۱۰۱	حکم عرج:.....

۱۰۶	گفتار چهارم: عیوب مورد اختلاف
۱۰۶	زناى زن با مرد اجنبى:.....
۱۰۸	مطلق زنا:.....
۱۰۹	خنثا:.....
۱۰۹	زن حد زده شده به واسطه زنا.....
۱۱۲	طریق اثبات زنا:.....
۱۱۲	ابتلاء به امراض مقاربتی:.....
۱۱۳	سرطان و ایدز.....
۱۱۹	فصل سوّم: احکام عیوب.....
۱۲۱	مبحث نخست: فوریت فسخ.....
۱۲۴	مبحث دوّم: صور مختلف عیوب زن.....
۱۳۰	مبحث سوّم: مهریه و عدّه.....
۱۴۴	مبحث چهارم: عیب جلی و خفی:.....
۱۴۶	طرق اثبات عیوب:.....

بخش دوّم: تدلیس

۱۵۲	تدلیس.....
۱۵۲	تعریف لغوی:.....
۱۵۲	تعریف اصطلاحی.....
۱۵۳	عنصر مادّی تدلیس:.....
۱۵۳	عنصر معنوی تدلیس:.....
۱۵۴	فرق عیوب با تدلیس:.....
۱۵۶	شرایط تدلیس:.....
۱۵۶	طرق تحقق تدلیس:.....

۱۶۷	فصل اول: کفر
۱۶۸	حکم کفر
۱۷۲	ارتداد:
۱۷۲	حکم ارتداد:
۱۷۳	عده ارتداد:
۱۷۴	فصل دوم: دختر غیر باکره
۱۷۵	حالات مختلف باکره و حکم آنان:
۱۸۳	فصل سوم: وطی به شبهه
۱۹۶	فصل چهارم: نسبت زن به قبیله خاص
۱۹۷	نسبت زن به قبیله خاص
۲۰۰	فصل پنجم: عقیم بودن
۲۰۱	اقوال در حکم عقیم:
۲۰۹	فصل ششم: قانون مدنی ایران
۲۱۰	اول: فسخ:
۲۱۰	الف - عیوب:
۲۱۲	ب - تدلیس:
۲۱۴	فهرست منابع
۲۱۴	الف - کتب
۲۱۶	ب - مجلات

مقدمه:

ازدواج و نکاح رابطه حقوقی و عاطفی است که به وسیله عقد میان زن و مرد، حاصل می‌گردد و بر اساس آن مرد و زن می‌توانند به صورت مشروع و آن طور که فطرت پاک انسانی ایجاب می‌کند از یکدیگر متمتع شوند. در مقدمه شش مطلب مورد نظر است.

۱- تبیین موضوع تحقیق

الف - واژه نکاح:

نکاح مصدر ثلاثی و از ریشه نكحَ يَنْكُحُ می‌باشد. اهل لغت نیز آن را در عداد مصادر منظور داشته‌اند^(۱).

ب - تعریف لغوی:

نکاح در لغت به معنی نزدیکی و تقابل آمده است و بعضی اوقات به معنی عقد نیز گرفته شده است^(۲).

ج - تعریف اصطلاحی:

از نظر فقهی در معنی این لفظ اختلاف نظر وجود دارد:

۱ - علامه حلی فرموده است: نکاح به معنی عقد است^(۳).

۱ - جوهری، اسماعیل، الصحاح اللغة، ج ۱، ص ۴۱۳، ماده نکح.

۲ - همان.

۳ - علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، ج اول، باب نکاح و تذکره، ج ۲: ص ۵۶۵.

۲- محمد حسن نجفی فرموده است: نکاح اسم است برای نقل، یعنی: تسلط بر بضع و اثبات سلطنت بر نزدیکی کردن. بنابراین نکاح اسم برای انتقال، یعنی: وطی و نزدیکی کردن نیست، و نیز نکاح اسم برای عقد، یعنی: ایجاب و قبول هم نیست^(۱).
علت این اختلاف معانی مختلف است که در قرآن وارد شده است، چون لفظ نکاح در قرآن هم به معنی وطی آمد است مثل: «حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً^(۲)» یعنی تا این که با شوهر دیگر نزدیکی کند.

و هم به معنی عقد آمده است مثل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ^(۳)». یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمانها و قرار دادهای وفاء کنید و یکی از آن پیمان و قرارداد نکاح است، چون علماء عقد نکاح را یکی از مصادق «اوفوا بالعقود» می دانند.
پس نکاح رابطه‌ای شرعی است که مرد و زن را به هم پیوند می دهد و به وسیله آن نسب نوع بشر محفوظ می ماند. و تمام ادیان آسمانی پیشین آن را جایز شمرده‌اند و اسلام نیز بر آن تأکید ورزیده و شارع مقدس در تمام شرایع خود مشوق آن بوده است.

اهداف ازدواج:

زنان و مردان شاید بر اساس انگیزه و محرک‌های ویژه خویش تن به ازدواج دهند. بنابراین نکاح دو هدف اصلی را دنبال می کند:

۱- نزدیکی جنسی و تمتع: یعنی زن و مرد از لحاظ فیزیکی مایلند که بهره‌مند و متمتع گردند. پس رابطه جنسی جز اساس مهم زناشوئی می باشد، هنگامی که کشش شدیدی برای زن و مرد بوجود آید، به طور مسلم غریزه‌ای جنسی نقش اصلی خود را

۱- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۷.

۲- سوره بقره، آیه، ۲۳۰.

۳- سوره مائده، آیه ۱.

ایفا می‌کند؛ بنابراین تنها از طریق نکاح است که بستر قانونی و اخلاقی و اجتماعی روابط جنسی برای طرفین عقد فراهم می‌گردد.

۲ - تناسل و توالد: یعنی نکاح پیوند همیشگی است که بر اساس عشق و محبت بین طرفین استوار است، و طرفین توجه کافی و مراقبت‌های لازمه را برای فرزندان خویش مبذول داشته و بقای نسل را تداوم می‌دهند. بنابراین نکاح تنها مجوز برای تداوم نسل است.

با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که نکاح در نظام اجتماعی دارد، شارع مقدس با دقت و تفصیل تمام به آن پرداخته و اصول و تبعات آن را ذکر کرده و احکام آنها را از نخستین لحظه فکر کردن تا پایان، وضع نموده است، که یکی از اصول و تبعات مهم نکاح حقی است که در صورت معیوب در آمدن یکی از زوجین، طرف دیگر دارد.

البته هر چیزی که از نظر عرف نقص و عیب شمرده می‌شود، موجب فسخ نمی‌گردد، چون تشخیص عیب بر حسب عرف مشکل است؛ زیرا قواعد عرفی جنبه محلی و رسومی دارد که دسترسی به همه عرف مردم طاقت فرسا است. بنابراین عیوب موجب فسخ را شارع مقدس معین کرده است.

پس عیوبی که موجب فسخ می‌گردد، دو صورت دارد:

۱ - عیوبی که نفس وجود آنها موجب فسخ عقد نکاح می‌گردد.

۲ - عیوبی که نفس وجود آنها موجب فسخ نکاح نمی‌گردد؛ ولی اگر در ضمن عقد

عدم وجود آن عیب در یکی از زوجین، شرط گردد و بعد از عقد خلاف شرط ظاهر گردد، در این صورت، موجب فسخ می‌گردد، مانند تدلیس، زیرا تدلیس، نمایانند صفات کمال یا پوشان عیب است.

بنابراین تدلیس دو مصداق است:

الف: چنان چه عدم وجود عیب در یکی از زوجین، در ضمن عقد نکاح شرط

گردد ولی خلاف شرط ظاهر گردد.

ب: وجود صفت کمال در یکی از زوجین، در ضمن عقد نکاح شرط گردد، در حالی که یکی از زوجین موصوف فاقد آن صفت است.

به عبارت دیگر: هر صفتی که جنبه عقلانی داشته باشد، چنان چه در عقد نکاح شرط گردد، اعم از این که شرط مربوط به وصف کمال باشد، یا مربوط به عیب جسمی و روحی باشد، بعد از عقد خلاف ظاهر گردد، طرف دیگر با استناد به تدلیس می تواند عقد را فسخ کند.

۲- هدف تحقیق:

در نوشتن این جزوه دو هدف مورد نظر است:

- الف - هدف اصلی: این نوشتار تلاشی است به قدر قوه و وسع در جهت بازشناسی هر چه بیشتر بخش عیوب موجب نسخ نکاح و بخش تدلیس، در این نوشتار سعی شده است که حتی المقدور، نظریات مغایر با نظر مشهور هر چه بیشتر مطرح و بررسی گردد.
- ب - هدف فرعی تحقیق: تدارک زمینه طرح و تحقیق برای تکمیل نمودن قسمتی از تکالیف دوره کارشناسی ارشد و تدوین پایان نامه مربوط به این دوره.

۳- سابقه تحقیق:

با توجه به بررسی های اولیه که توسط نگارنده انجام شده است می توان سابقه تحقیق را در مورد نکاح و توابع و روافع آن، در شرع مقدس اسلام به چند دوره تقسیم کرد:

الف - دوره تشریح بود که در مدت بیست و سه سال طول کشید از بعثت آغاز شد تا رحلت پیامبر اکرم (ص) ادامه یافت، در طول این مدت دو سوم آیات قرآن در مکه به مدت سیزده سال نازل شد که بیشتر این آیات مربوط به احکام است که از جمله حکم

نکاح است. در مورد نکاح می توان به چند آیه اشاره کرد:

یک: سوره نور، آیه ۳۲ ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾،

یعنی: مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح را.

دو: سوره نساء، آیه ۳ ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ

النِّسَاءِ﴾، یعنی: و اگر می ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت

نکنید (از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید.

سه: سوره مؤمنون، آیه ۵ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوُجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ * ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ

مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾، یعنی: و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن بر

بی عفتی) حفظ می کنند، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در

بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند. علاوه بر این آیات و آیه دیگر مثل آیه ۳۳، از سوره

نور و آیه ۲۹ از سوره نساء نیز به نکاح اشاره دارد.

در مورد روافع نکاح که هفت قسم است و عبارتند از:

۱. طلاق، ۲. خلع، ۳.ظهار، ۴. ایلاء، ۵. لعان، ۶. ارتداد، ۷. عیوب و تدلیس

درباره شش قسم اول آیات از قرآن اشاره دارد و درباره قسم هفتم که موضوع این

نوشتار است آیات اشاره ندارد، وی احادیثی زیادی در این باره وجود دارد.

اما طلاق ده آیه دارد، آیه ۱، ۲ و ۴ از سوره طلاق، و آیه ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱ و

۲۳۲ از سوره بقره و آیه ۴۹ از سوره احزاب درباره طلاق است.

اما درباره خلع یک آیه وجود دارد، آیه ۲۲۹ از سوره بقره.

اما درباره ظهار دو آیه وجود دارد، آیه ۲ - ۳ از سوره مجادله.

اما درباره ایلاء دو آیه وجود دارد، آیه ۲۲۶ - ۲۲۷ از سوره بقره.

اما درباره ارتداد یک آیه وجود دارد، آیه ۱۰، از سوره ممتحنه.

ب - دوره تفسیر و تبیین بود، که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا پایان غیبت کبری

(۳۲۶هـ) ادامه داشت، در این مدت زمان حضور امامان معصوم بود و چون امامان معصوم از نظر شیعه جانشینان پیامبر اکرم (ص) بودند و در حقیقت مفسران شریعت به شمار آمدند، بنابراین امامان معصوم اولین محققین بودند که در مورد عیوب و حاکم آنها کلام مفصل و مفید داشته‌اند و بعضی از عیوبی که قابل درمان نیستند از جمله رافع نکاح شمرده‌اند. مثل روایت ابی عبیده از ابی جعفر (علیه السلام) «قال فی رجل تزوج امرأة من ولیها فوجد بها عیباً بعد ما دخل بها، قال: فقال: اذا دلت الغفلاء و البرصاء و المجنونة و المفضا و من كان بها زمانة ظاهرة فانها تردّ علی اهلها من غیر طلاق»^(۱).

یعنی: از امام باقر (ع) سؤال شد از زنی که ازدواج کرده بود و دارای عیب بود، امام (ع) فرمود عقد نکاح به سبب عیب عفل و برصی و جنون و افضاء و مرض مزمن، فسخ می‌شود.

و مثل روایت محمد بن مسلم، «قال: قال ابو جعفر (ع) تردّ العمیاء و البرصاء و الجذماء و العرجاء»^(۲)، یعنی: امام (ع) فرمود عقد نکاح به سبب عیوب کوری چشم و برصی و جذام و لنگی دو پا، فسخ می‌شود.

و مثل احادیثی که بعد از این در خلال ابحاث عیوب مشترک و مختص زن و مرد و در خلال بحث تدلیس خواهد آمد.

ج - دورهٔ تدوین بود که بعد از غیبت کبری آغاز شده است تا حالا (۱۳۸۳) ادامه دارد. در این دوره در مورد نکاح و توابع و روافع آن تحقیق بیشتری صورت گرفته است و کتب زیادی تألیف گردیده‌اند. البته این دوره سوم را می‌توان به چهار عصر و زمان تقسیم کرد. عصر اول: در این عصر روش علمی و فنی مفصل و همه جانبه در مورد نکاح و توابع و روافع آن مطرح شد، که این عصر از زمان حسن بن علی حد اعمانی معروف به ابن ابی

۱ - الحزّ العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۲ از ابواب عیوب و تدلیس، ح ۱.

۲ - همان، باب ۱، از ابواب عیوب و عدلیس، ح ۶.

عقیل (م ۳۲۹ هـ) تا زمان شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) ادامه داشت. کتب که ابن ابی عقیل و محققین هم عصر آن تألیف کرده‌اند. و از نکاح و روافع و احکام آن هم بحث کرده‌اند عبارتند از:

- ۱- المتمسک بحبل آل الرسول؛ مؤلف آن ابن ابی عقیل (م ۳۲۹) است.
- ۲- المقنع؛ مؤلف آن محمد بن علی بن بابویه، معروف بصدوق (م ۳۸۱) است.
- ۳- تهذیب الشیعه؛ مؤلف آن محمد بن احمد اسکافی، معروف به ابن جنید (م ۳۸۱) است.
- ۴- المقنعه، مؤلف آن شیخ مفید (م ۴۱۳) است.
- ۵- الحدود و الحقایق، مؤلف آن سید مرتضی (م ۴۳۶) است.
- ۶- غینه النزوع الی علم الفروع و الاصول؛ مؤلف آن ابی زهره، معروف به حلبی (م ۵۸۵) است.

عصر دوم: این عصر، زمان تقلید است که در این عصر محققین قوانین کلی را بر مصادیق خارجی منطبق ساخت، که از زمان شیخ طوسی (م ۴۶۰) تا زمان ابن ادریس (م ۵۹۸) ادامه یافت، در این عصر فقهاء، مقهور عظمت شیخ شدند و از شیخ تقلید کردند، دو نمونه از کتب که در این عصر تدوین شده است و مهم است نام می‌بریم:

- ۱- المبسوط و خلاف و نهایه؛ هستند که مؤلف آنها شیخ طوسی (م ۴۶۰) است.
 - ۲- المهذب، است که مؤلف آن قاضی عبدالعزیز ابن براج (م ۴۸۱) است.
- عصر سوم: در این عصر ابحاث به طور مستدل مطرح شد و اجتهاد دوباره نهضت کرد، که این عصر از زمان ابن ادریس حلی (م ۵۹۸) تا زمان وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) ادامه یافت، و علماء معروف این عصر که دارای کتب مشهور هستند و در آن کتب از نکاح و روافع آن بحث مفصل شده‌اند عبارتند از:

- ۱- السرائر؛ که مؤلف آن ابن ادریس حلی (م ۵۹۸) است.

۲- شرائع الاسلام، که مؤلف آن جعفر بن حسن، معروف به محقق حلی (م ۶۷۶) است.
 ۳- قواعد الاحکام و تذکرة الاحکام؛ که مؤلف آنها، جمال الدین حسن بن سعید، معروف به علامه علی (۷۲۶) است.

۴- اللمعة الدمشقية، که مؤلف آن محمد بن الدین مکی، معروف به شهید اول (۷۸۶) است.

۵- المسالک الافهام و شرح لمعة؛ که مؤلف آنها، زین الدین جباعی عاملی معروف به شهید ثانی (۹۶۶) است.

۶- جامع المقاصد، که مؤلف آن علی بن حسین، معروف به محقق کرکی (م ۹۴۰) است.
 عصر چهارم: در این عصر ابحات فقه بالاخص بحث نکاح و حکم و توابع و روافع آن به حد تکامل رسیدن، که این عصر از زمان وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) تا حالا (۱۳۸۳) ادامه دارد. در طول این مدت مجتهدین و محققین زیادی وجود داشته‌اند و کتب زیادی تألیف شده‌اند، که به جهت حصر و عدم طول و تفصیل به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱- مستند الشیعه؛ که مؤلف آن ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵) است.
 ۲- جواهر الکلام، که مؤلف آن شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶) است.
 ۳- ریاض المسائل، که مؤلف آن، سید علی طباطبایی (م ۱۲۳۱) است.
 ۴- مکاسب المحرمه، که مؤلف آن، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱) است.
 ۵- امام خمینی، سید روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، مترجم: محمد باقر موسوی (قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۰)، ج ۴.

۶- خوئی، سید ابوالقاسم؛ منهاج الصالحین، (قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۵)، ج ۵.
 ۷- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله، (قم، مرکز فقه ائمه اطهار، ۱۴۲۱ هـ)، النکاح.

۸- حائری، سید کاظم؛ فقه اهل البيت (سال سوّم «عیوب موجب فسخ»)، ش ۹.